

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روز: دو شنبه

مصادف با: ۲۹ رجب ۱۴۳۶

ادامه بررسی ثمره ششم

بیان شد بسیاری از فقهاء و اصولیون فساد ضد عبادی را از ثمرات مبحث ضد دانسته اند ولی بعضی از آنها مانند شیخ بهایی، محقق نائینی، محقق اصفهانی، امام و محقق خویی «رحمة الله علیهم اجمعین»، ثمره بودن آن را برای مسأله ضد قبول نداشته و هر کدام در جهت عدم پذیرش آن شیوه خاصی را در پیش گرفته اند.

کلام محقق نائینی و محقق اصفهانی «رحمة الله علیهما» به همراه نقد آنها گذشت. بحث در نقد کلام شیخ بهایی «رحمة الله علیه» بود که بیان شد بسیاری از علماء در صدد پاسخ از ایشان بر آمده اند، بعضی از پاسخ ها مبتنی بر پذیرش ارتفاع امر ضد عبادی مهم و بعضی مبتنی بر عدم پذیرش ارتفاع امر ضد عبادی مهم می باشند و در هر یک از این دو گروه، دو شیوه از پاسخ دیده می شود، لذا در واقع مجموعه پاسخ ها به چهار پاسخ باز می گردند که در گذشته این پاسخ ها به صورت اجمالی بیان گردید.

پاسخ اول یعنی پاسخ محقق ثانی «رحمة الله علیه»، پاسخ دوم یعنی پاسخ محقق خراسانی «رحمة الله علیه» و همچنین پاسخ سوم یعنی پاسخ امام «رحمة الله علیه» به همراه نقد و بررسی آنها گذشت و به این نتیجه رسیدیم که هیچ یک از پاسخ های مذکور، پاسخ مناسبی از بیان شیخ بهایی «رحمة الله علیه» در جهت انکار ثمره ششم، به حساب نمی آید و باید راهکار دیگری برای تثبیت ثمره ششم ارائه شود تا اینکه امر فعلی برای مهم ثابت گردد و آن راهکار چهارم یعنی مسأله ترتب است که با عصیان امر فعلی اهم، امر فعلی مهم به حال خود باقی خواهد بود و در نتیجه مکلف می تواند با قصد امتثال آن، عمل عبادی را به وجه صحیح و مقرب الی الله انجام دهد. در ادامه به بیان تفصیلی این پاسخ خواهیم پرداخت.

بیان پاسخ چهارم «مسأله ترتب»

این پاسخ که معرکه آراء اصولیون قرار گرفته است را گروهی مانند کاشف الغطاء و مجدّد شیرازی «رحمة الله علیهما» مطرح نموده اند. توضیح این پاسخ مطابق با بیان محقق خراسانی^۱ «رحمة الله علیه» این است که راه تصحیح عبادیت ضد عبادی و برخورداری آن از امر در هنگام مزاحمت آن با ضد اهم، این است که گفته شود هر یک از واجب اهم و واجب مهم در کنار یکدیگر برخورداری از امر هستند، نهایتاً امر به اهم مانند ازاله نجاست از مسجد، مطلق است ولی امر به مهم، مشروط به عصیان و مخالفت با امر به اهم می باشد.

در مثال مذکور، زمانی که مکلف وارد مسجد شد، در حالی که وقت نماز شده و علم به نجاست مسجد دارد، امر به ازاله نجاست که فرضاً اهم می باشد، بالفعل و به صورت مطلق به ازاله تعلق می گیرد ولی اگر مکلف عصیان نموده و با امر به ازاله مخالفت نماید، امر به مهم یعنی امر به صلاة متوجه او می شود، بنا بر این امر به صلاة در طول عصیان و مخالفت با امر به اهم قرار دارد ولی زمان کنار گذاشتن امر به اهم و مخالفت با آن، زمانی است که امر به آن و امر به مهم فعلی است، چون از طرفی امر به اهم، امتثال نشده تا ساقط گردد و به مجرد عصیان هم ساقط نمی شود و از طرفی دیگر امر به مهم هم که شرط آن مخالفت با امر به اهم بود، تحقق یافته و فعلیت پیدا می نماید.

۱- ایشان در کفایة الاصول، صفحه ۱۳۴ می فرمایند: «ثم إنه تصدى جماعة من الأفاضل لتصحيح الأمر بالصد بنحو الترتب على العصيان و عدم إطاعة الأمر بالشيء بنحو الشرط المتأخر أو البناء على معصيته بنحو الشرط المتقدم أو المقارن بدعوى أنه لا مانع عقلا عن تعلق الأمر بالصدین كذلك أي بأن يكون الأمر بالأهم مطلقاً و الأمر بغيره معلقاً على عصيان ذاك الأمر أو البناء والعزم عليه بل هو واقع كثيراً عرفاً».

در نتیجه وجود امر به مهم مثل صلاة اگر چه رتبه و حدوداً مؤخر از امر به اهم است، ولی بعد از مخالفت با اهم، امر به مهم در کنار امر به اهم فعلیت پیدا می کند، لذا مکلف می تواند به وجه صحیح و با قصد امتثال امر مهم، آن را امتثال نماید و محذور طلب ضدین فی زمان واحد لازم نمی آید.

بیان استاد معظم

بررسی صحت و سقم این پاسخ مبتنی بر آن است که روشن شود آیا مسأله ترتب به بیان مذکور، امری ممکن بوده و محذور عقلی ندارد و یا امری غیر ممکن بوده و استحاله عقلی دارد؟

تعدادی از اعظام علم اصول از جمله شیخ انصاری، محقق خراسانی و از معاصرین حضرت امام «رحمة الله علیه اجمعین»، اصل ترتب به بیان مذکور را محال دانسته و به همین جهت پاسخ چهارم را عقیم و نا کارآمد می دانند. عده ای دیگر مانند میرزای شیرازی، محقق نائینی، محقق اصفهانی و از معاصرین محقق خویی «رحمة الله علیه اجمعین»، آن را ممکن و قابل دفاع دانسته و در صدد تأیید پاسخ چهارم بر آمده اند و به همین جهت این پاسخ را بهترین راهکار در مقام پاسخ به شیخ بهایی «رحمة الله علیه» و تصحیح ثمره ششم یعنی مأمور به بودن ضد عبادی مهم، معرفی می نمایند. لذا شایسته آن است که با دقت و رعایت اختصار و حذف مباحث بی فایده ای که بعضی ذکر نموده اند، ادله هر یک از قائلین به استحاله و قائلین به امکان، مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا بعد از روشن شدن تمام زوایای بحث، نتیجه صحیحی حاصل گردد.

ادله قائلین به استحاله ترتب

محقق خراسانی «رحمة الله علیه» به سه دلیل بر استحاله ترتب استدلال می نمایند:

دلیل اول ایشان با بیان ما این است که می فرمایند: «همانطور که در توضیح مسأله ترتب روشن شد، در مسأله ترتب، هر کدام از امر به اهم و امر به مهم، در هنگام عصیان و مخالفت با امر به اهم، فعلیت دارند و معنای فعلیت یک امر این است که محرک مکلف به سمت انجام متعلق خود می باشد و چنانچه هر دو امر در زمان بعد از مخالفت با اهم، فعلی باشند، باید هر دو، محرک مکلف به انجام متعلق خود باشند، و این در واقع بازگشت به این دارد که هر دو ضد در زمان واحد، مورد طلب فعلی مولی قرار گیرند و این یعنی طلب ضدین در آن واحد و هو محال، زیرا فعلیت طلب اهم مستلزم طرد طلب مهم می باشد و بالعکس و اگر هم فرضاً طلب مهم، نتواند طلب اهم را طرد کند، قطعاً طلب اهم به خاطر اهمیت متعلق خود، طلب مهم را طرد می نماید و همین مقدار از طرد، در اثبات استحاله طلب دو ضد در یک زمان، کفایت می نماید و وقتی طلب ضدین و فعلیت آن دو امر در یک زمان محال شد، ترتب هم که مبتنی بر فعلیت امر به اهم و امر به مهم در یک زمان است، محال خواهد گردید».

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

۱- ایشان در ادامه می فرمایند: «قلت ما هو ملاك استحالة طلب الضدين في عرض واحد آت في طلبهما كذلك بقوله فإنه وإن لم يكن في مرتبة طلب الأهم اجتماع طلبهما إلا أنه كان في مرتبة الأمر بغيره اجتماعهما بدهاة فعلية الأمر بالأهم في هذه المرتبة و عدم سقوطه بعد بمجرد المعصية فيما بعد ما لم يعص أو العزم عليهما مع فعلية الأمر بغيره أيضا لتحقيق ما هو شرط فعليته فرضا ...

إن قلت فرق بين الاجتماع في عرض واحد و الاجتماع كذلك فإن الطلب في كل منهما في الأول يطارد الآخر بخلافه في الثاني فإن الطلب بغير الأهم لا يطارد طلب الأهم فإنه يكون على تقدير عدم الإتيان بالأهم فلا يكاد يربد غيره على تقدير إتيانه و عدم عصيان أمره. قلت ليت شعري كيف لا يطارده الأمر بغير الأهم و هل يكون طرده له إلا من جهة فعليته و مضادة متعلقه للأهم و المفروض فعليته و مضادة متعلقه له».